



انقلاب بر نقش آیت‌الله طالقانی در وحدت‌آفرینی در صفوف مردم و انقلابیون و پس از آن ایجاد وفاق میان حاکمیت و مردم اذعان داشتند. در ادامه به چند نمونه از این تلاش‌ها اشاره خواهد شد.

▼ سخنرانی بر سر مزار مصدق و حکومت وفاق ملی

معمولاً سخن از وحدت مردم در سخنان بسیاری از چهره‌های سیاسی و مذهبی وجود دارد؛ البته در آن دهه‌های ۳۰ و ۴۰ بیشتر چهره‌های مذهبی سنتی و چهره‌هایی که پیرو سیدجمال‌الدین اسدآبادی بودند، بیش از آنکه بر وحدت مردم حاضر در مرزهای جغرافیایی یک کشور تاکید کنند، سخن از وحدت میان مسلمانان و اتحاد اسلامی را مطرح می‌کردند؛ موضوعی که در آن روزگار در پی اتحاد و رای مرزهایی که مارکسیست‌ها و کمونیست‌ها نیز ترویج می‌کردند به نوعی در مقابله با آن هم به شمار می‌رفت اما ملی‌گرایی که معمولاً از سوی سیاستمداران مکتلابی از معمم مطرح بود؛ در رفتار و عملکرد روحانیون نواندیشی مانند آیت‌الله طالقانی و... بارها به‌ویژه برای تحقق هدف‌ها به چشم می‌آید. چنانچه وقتی او در اولین سالگرد درگذشت مصدق پس از پیروزی انقلاب سخنرانی کرد به این موضوع در ادوار تاریخ از مشروطیت تا انقلاب اشاره می‌کند؛ سخنرانی‌ای که او در آن هم از نقش مردم در تحقق انقلاب و هم در پیشبرد اهداف حکومت نوپا سخن به میان آورد و بر ضرورت کنار آمدن بر سر اختلافات و ضرورت حضور همه در حکومت برای پیشرفت و موفقیت آن و ایجاد وفاق میان افراد و جریان‌ها تاکید می‌کند. چنانچه در بخشی از آن آمده است: «دکتر مصدق با همکاری مرحوم مدرس این راه را باز کرد و این چهره را نشان داد که نه روس و نه انگلیس بلکه ملت. این ملت است که باید سرنوشتش را به دست بگیرد و راهش را بیابد و پیش برود.» یا در جایی به فعالیت «خلق‌های ایران» اشاره کرد و گفت: «خلق‌های ایران در حرکت بود و منتظر فرصت بود تا شهریور ۲۰ پیش آمد. ملت هوشیار شد. پوچی دعای رضاخان را فهمید... اگر ملت با تو بود، چرا فرار کردی؟ اگر خطر اجنبی بود، تو باید با ملت جلوی اجنبی می‌ایستادی. پس چرا تو در رفتی؟ وقتی ملت فهمید رضاشاه کی بود، حرکت شروع شد... باز می‌رسیم به همین آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ». آن وقتی که وحدت نظر بود، همه نیروهای ملی و دینی در یک مسیر حرکت کردند... به فدائیان اسلام گفتند که شما بودید که این نهضت را پیش بردید. فدائیان می‌گفتند ما حکومت تامه اسلامی می‌خواهیم. آنها به فدائیان اسلام می‌گفتند که دکتر مصدق [بی‌دین] است و یا به دین توجه ندارد و نمی‌خواهد خواست‌های شما را برآورده کند. به دکتر مصدق می‌گفتند که فدائیان اسلام جوان‌های پرشور و ثروست هستند. از آنها باید بپرهیزید. من که خودم می‌خواستم بین اینها تفاهم ایجاد کنم، دیدم نمی‌شود. امروز صحبت می‌کردم، فردا می‌دیدم که چهره‌ها عوض شده، باز خصومت، باز موضع‌گیری...»

شاید او را باید

«سید وفاق»

معرفی کرد. کسی

که در تلاش بود

آسیب‌ها و اختلافات

را گوشزد کند و

مردم، انقلابیون و

جریان‌های مختلف

قومی، سیاسی و

جنسیتی را پای یک

سفره بنشانند تا

مانع از آشفتنگی در

حکومتی که برایش

چندین دهه تلاش

کرده است، بشود

فاسد بالاخره هر کس دامنش آلوده می‌شود و گناهکار می‌شود. هیچ‌کدام نمی‌توانیم خودمان را تبرئه کنیم... به خدا برگردیم. یعنی به صلاح مملکت، ملت ایران! او در پایان گفت: «باور کنید این مملکت مال شماسست. هنوز هم نمی‌خواهید باور کنید، این کارخانه‌ها مال شماسست؛ این منابع طبیعی مال شماسست؟ سقراط در شرایط مدینه فاضله‌اش می‌گوید حکام مدینه فاضله باید چنین باشند. بعد هم مثالی می‌آورد که باید بسیار نرم و مهربان باشند بین خود برای امت خود و در مقابل بدسگال باید بر خاشجوع، قوی و بی‌باک باشند... بین خود مهربان، دلسوز اما در راه عقیده با هم مخالفند. دعویابی ندارد. بیابند ببینند می‌توانند با هم بسازیم صحبت می‌کنیم. ما هم همدیگر را قانع می‌کنیم. تو این‌طور فکر می‌کنی. من این‌طور فکر می‌کنم ولی در اصل سرنوشت آیا نباید وحدت نظر داشت؟»

▼ حجاب و حفظ جناح بزرگ زنان در انقلاب

روزهای آغازین پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود که امام خمینی درباره حجاب زنان در ادارات سخنانی را مطرح و تاکید کردند: «زنان می‌توانند در ادارات و مؤسسات کار کنند ولی با حجاب اسلامی»؛ همین موجب اولین اعتراضات و ناآرامی‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران شد؛ به‌ویژه پس از آنکه برخی تندروها به استناد این سخنان دست به بدرفتاری با زنان زدند. در همین اثنا با افزایش ناراضیاتی، آیت‌الله طالقانی در یک مصاحبه رادیو تلویزیونی درباره این موضوع به تفصیل سخن گفت و بر ضرورت حفظ این جمعیت بزرگ کشور و حفظ همراهی آنها با حکومت تصریح کرد: «هیچ‌کس زنان را به داشتن حجاب مجبور نمی‌کند... پوشش زنان یک اصل قرآنی و اسلامی است. اگر بخواهیم مسئله حجاب را از جهت اسلامی و از نظر ملی بحث کنیم یک مسئله سنتی و تاریخی است که در عمق تاریخ ما و تاریخ شرق مطرح بوده است... عناصری می‌کوشند یک جناح بزرگ انقلاب، یعنی زن‌ها را از انقلاب جدا کنند و به سوی ناراضیاتی بکشانند... من سلام و درودم را بر زن‌ها و خواهرانم و دخترانم می‌رسانم و باز می‌گویم سهم بزرگی در این انقلاب داشته‌اند؛ باید این حق و سهم بزرگی [را] که دارند ادامه دهند، به ثمر برسانند، آلت دست تحریکات نشوند... سر کارشان برونند، به سر کلاس‌ها بازگردند و در ادارات هم سنگین [و] با وقار مسئولیت‌شان را خوب انجام بدهند... ما اجازه نمی‌دهیم کسی به اینها اهانت کند یا به هیچ عنوان متعرض اینها بشود. (کیهان ۱۵ اسفند ۵۷)»

▼ غائله کردستان و ممانعت از تفرقه

کتر از دو ماه از پیروزی انقلاب اسلامی نگذشته بود که درگیری و اختلاف بین برخی احزاب گرد و نیروهای انقلاب موجب شد مناطق مختلفی در کردستان به هم بریزد و نیروهای تجزیه‌طلب هم از این فرصت استفاده کنند و با دامن زدن به تنش‌ها به دنبال بهره‌برداری دست به توطئه بزنند. در پایتخت، در ابتدا دو نگاه نسبت به این چالش به وجود آمده بود؛ اول، آنها که فکر می‌کردند این چالش دستپخت استکبار جهانی است و باید بدون ملاحظه با آن برخورد کرد و نگاه دوم به بی‌اعتمادی متقابل تاریخی مردم این مناطق و دولت مرکزی و ضرورت اتخاذ روش‌های سیاسی اعتمادساز در این مناطق توجه داشت. در ابتدای کار دولت موقت، نهضت آزادی و آیت‌الله طالقانی نیز همراه با نگاه دوم بودند اما با افزایش درگیری ارتش و گردهای منطقه وضعیت بحرانی شرایط به نحو دیگری رقم خورد و ارتش به مقابله پرداخت و همین موجب سفر آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله سیدمحمد بهشتی به منطقه شد. در این زمینه بهشتی در خاطره‌ای چنین تعریف کرده است: «تأثر ایشان از این برادرکشی‌هایی که در کردستان به تحریک دشمن بوجود می‌آمد، آنقدر قراوان و عمیق بود که ایشان را برمی‌افروخت... در نهایت به همت آیت‌الله طالقانی، شورای شهر سنندج جهت اداره شهر شکل گرفت و در این انتخابات، چندتن از دگراندیشان و مارکسیست‌ها انتخاب شدند. در پی این حادثه آیت‌الله طالقانی بیانیه‌ای نیز منتشر می‌کند که بر ضرورت توجه به اتحاد مردم و خواسته‌های آنها برای حفظ وحدت و ایجاد وفاق تاکید می‌کند. در بخشی از این بیانیه آمده است: «...»

از این جهت من مانند یک برادر و پدر دردمند که دردهای این ملت را که سال‌هاست لمس می‌کنم، به‌خصوص دردها و رنج‌های این ملت محروم گرد را، اتهامات، زندان‌ها، کشتارها، محرومیت از آزادی در سرنوشت خود، سال‌هاست لمس کرده‌ام. و اکنون انتظار دارم که همه ملت گرد، به‌خصوص که من اکنون در میان آن‌ها هستم، با وحدت نظر و هوشیاری بتوانند این منظور و این هدف مقدس را حفظ کنند. از این جهت من از شما می‌خواهم که هم‌بستگی خود را حفظ کنید. من از شما می‌خواهم وحدت خود را نگه دارید... شما ملت کردستان موظفید، مسئولید که خواسته‌های خود را، خواسته‌های مشروع‌تان را اعلام کنید. خواسته‌هایی که دارید تنظیم کنید و آن‌چه که اولویت دارد و آنچه که با مدتی بیشتر لازم است، این‌ها را از هم تفکیک کنید. و آن‌چه که اکنون از دولت برمی‌آید و در امکانات دولت است، تقاضا کنید، و آنچه برای آینده است، تنظیم کنید و ارائه دهید... در این شهر سنندج که

مرکز استان این قسمت از کردستان است، به حمدالله با کوشش دوستان ما و با همکاری صمیمانه و احساسات پرشور خواهران و برادران‌مان اکنون به این نتیجه رسیدیم که باید شورای موقتی در این شهر تشکیل شود و وظایفی که محول شده است، برای حفظ امنیت، برای رسیدگی به احتیاجات ضروری انجام بدهد. این شورای موقت به زودی انتخابات آزادی را شروع خواهد کرد برای تشکیل انجمن شهر. و انتظار داریم که مردم آزادانه نمایندگان انجمن خود را برای مدتی مشخص و معین کنند و انتظار دارم که این شورا نمونه‌ای باشد برای سرتاسر کشور و سرتاسر مملکت ما و گروه‌های ما و ساکنین شهر و روستا که نمودار رشد شما و نمونه یک شورای آزاد و عالی که افراد آن نمایندگان واقعی مردم باشد، تشکیل شود. این مرحله اولی بود که ما در اینجا پایه‌گذاری کردیم و تا اکنون به نتیجه رسیده‌ایم و نتیجه آن به پاری خداوند اعلام خواهد شد... مسئله دیگر در این روزها ما در آستانه‌فرانودم سرتاسری کشور هستیم. و همینطور که می‌دانید و می‌دانیم، بارها و بارها در تظاهرات، مردم رأی خود را بیان کردند ولی برای اینکه دنیابسند باشند و مورد اعتراض و خرده‌گیری دیگران و بیگانگان و بعضی از خرده‌گیران داخلی نباشد، همانطور که امام خمینی فرمودند، باید فراندوم انجام بگیرد و هرکس آزاد رأی خود را اظهار کند و در صندوق رأی بیاندازد. جمهوری اسلامی: جمهوری، یعنی آراء عمومی مردم در انتخاب مسئولین و دولت. اسلامی، یعنی در معیارهای مترقی و قوانین... و متحول، متحول اسلامی و من انتظار دارم که همه برادران و خواهرانم در این وظیفه مقدس ملی و اسلامی و تاریخ‌ساز ما با همه ایمان خود شرکت کنند و من هم از اکنون اعلام می‌کنم رأیم جمهوری اسلامی است (فروردین ۵۸)»

▼ دیگر سخنان وحدت‌آفرین طالقانی

آیت‌الله طالقانی علاوه بر مواردی مانند غائله کردستان یا شروع به کار حکومت جمهوری اسلامی ایران تلاش بسیار در رفع اختلافات در همان ماه‌هایی که پس از پیروزی انقلاب تا فوت‌شان در قامت عضو شورای انقلاب، امامت جمعه تهران و برخی موارد دیگر حضور داشت؛ انجام داد. او در برخی سخنرانی عمومی دیگر نیز بر وحدت میان مردم و رفع اختلافات میان جریان‌های سیاسی و حکومت پرداخت. نمونه‌اش در سالگرد قیام ۳۰ تیر ۲۱ که درباره کنار گذاشتن اختلافات گفت: «... احزاب و جمعیت‌های ما اهداف‌شان چیست؟ چرا باید در مقابل هم قرار بگیریم؟ این مقابله‌ها، این موضع‌گیری‌ها هر چند با حُسن‌نیت باشد ولی پشت سر آن دست استعمار کار می‌کند... جمعیت‌هایی که در مقابل هم ایستادند، نتیجه‌اش چیست؟ اولین نتیجه‌اش انصراف اکثریت مردم ایران و محرومیت و مجاهدین ایران و همه مردمی که خون دادند... آنهایی که علیه مصالح مردم، مصالح مسلمانان، مصالح ایرانی‌ها، در همین کاخ مجلس شورا عریه می‌کشیدند، کجا بودند؟ آن احزابی که کارشکنی کردند در مقابل حرکت ملی ما، چطور می‌توانند این‌ننگ تاریخی را از چهره‌شان بزدایند؟... ولی طولی نکشید که این قیام بزرگ و انقلاب عظیم ما پیش آمد؛ بر اثر وحدت، بر اثر یکپارچگی. (۳۰ تیر ۵۸)»

دیگر آن که در ماه رمضان و در مراسم افطاری شهرداری که در مرداده سال ۵۸ در استادیوم انقلاب (ورزشگاه آزادی) انجام شد بر این موضوع اشاره کرد و با توجه به تجربه کردستان به انتقاد از بی‌توجهی به ضرورت استفاده از مردم مناطق مختلف پرداخت و گفت: «... این مردم حُسن‌نیت دارند، این مردم صمیمیت دارند، ولی هنوز باور نمی‌کنند که اینها در سرنوشت‌شان باید دخالت کنند. اگر از ابتدا در بعد از انقلاب، ما شوراهای روستایی و شهری تشکیل می‌دادیم و از میان مردم ناشناخته، چهره‌های فعال، چهره‌های صادق، چهره‌های با حُسن‌نیت، چهره‌هایی که استعداد‌هایشان شناخته نشده بود، می‌آمدند حالا کارهای ما طور دیگری شده بود. ما همه‌اش گناه را به گردن این و آن می‌اندازیم و گاهی به جای اینکه پیشگیری کنیم قضایا را پسگیری می‌کنیم، حادثه‌ای که پیش آمد می‌گوییم چه کنیم؟ این را اجمالاً عرض می‌کنم نمی‌خواهم توضیح بدهم، باید پیشگیری کرد حوادث را ببینیم، مردم چه می‌خواهند... (سخنرانی ۲۶ مرداد ۵۸ استادیوم انقلاب)»

▼ پایان سخن

خوش‌خاطره‌ای است او را همیشه در مسیر آشتی و وفاق به یاد می‌آورند. شاید او را باید «سید وفاق» معرفی کرد. کسی که در تلاش بود آسیب‌ها و اختلافات را گوشزد کند و مردم، انقلابیون و جریان‌های مختلف قومی، سیاسی و جنسیتی را پای یک سفره بنشانند تا مانع از آشفتنگی در حکومتی که برایش چندین دهه تلاش کرده است، بشود. شاید اگر او این مسیر را ادامه می‌داد و یا اگر راه او با همان نگاه تساهل و تسامحی‌اش ادامه پیدا می‌کرد، حالا سیاستمداران‌مان چراغ به دست به دنبال ایجاد زمینه‌های وفاق نبودند تا شاید در مسیر آن دولت-ملت مدرن که در آن رضایت جامعه به نحو شکل گرفته و حقوق شهروندی تا حدودی تأمین شده و گسست‌ها به پیوند تبدیل شده (که همه در ذیل همان اهداف انقلاب ۵۷ قابل تعریف بود) قرار می‌گرفتیم.

سیاستمداران



انتقاد از دولت نوپاسنگ اندازی است

سیدکریم معصومی، نماینده فومن و شفت در مجلس در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به برخی حاشیه‌سازی‌ها علیه دولت چهاردهم با وجود گذشت کمتر از یک ماه از آغاز به کار کابینه دولت گفت: «اینکه بخواهیم همه تقصیرها را به گردن دولتی که تازه شکل گرفته و کابینه آن تازه روی کار آمدند و وزرا هنوز معاونان خود را به درستی تعیین نکردند، بیاندازیم، نوعی کارشکنی است.» معصومی همچنین با تاکید بر ضرورت پرهیز دولت از وارد شدن به حاشیه‌سازی‌ها، عنوان کرد: «به نظرم با توجه به اینکه دولت چهاردهم با عنوان دولت «وفاق ملی» نامگذاری شده است، دولت‌مدان نباید وارد حاشیه شوند بلکه باید کار خود را انجام دهند. حتماً دولت برای امور مختلف برنامه‌ریزی‌هایی دارد و حتماً نیز موانع پیش روی فعالیت دولت با تعامل میان دولت و مجلس برداشته خواهد شد.»



به سهم خواهی‌های قدرانه بها ندهید

سیدمحمدعلی ابطی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به ضرورت پرهیز دولت از پرداختن به حاشیه‌ها، بیان کرد: «بحث حاشیه‌هایی که برای دولت آقای پزشکیان در طول این مدت کوتاه ایجاد شده، چند نوع دارد؛ یکی حاشیه‌هایی است که به باخت در انتخابات ریاست‌جمهوری باز می‌گردد. بیشتر مبنای سیاسی، جناحی و تشکیلاتی دارد. این حاشیه‌ها بیشتر کینه‌ورزی است تا حاشیه‌سازی. توصیه بنده به دولتی‌ها این است که این نوع حاشیه‌پردازی‌ها و سهم‌خواهی‌های قدرانه را بی‌بها بگذارند و ذهن خود را مشغول به این موارد نکنند.» این فعال سیاسی اصلاح‌طلب تصریح کرد: «برخی اتفاقات دیگر نیز رخ می‌دهد که شاید در فرهنگ عمومی اسم آن را حاشیه بگذارند، اما آنها حاشیه نیست و بیشتر نقد است. از نگاه بنده زنده بودن هر دولت و هر مجموعه‌ای در داشتن منتقد‌های واقعی و خوب است. باید فضا را برای نقد باز گذاشت.»



عبدالله مومنی آزاد شد

فضل‌الله مومنی، برادر عبدالله مومنی، فعال سیاسی زندانی با تایید خبر آزادی برادرش به شبکه شرق گفت: «در قانون، برای اتهام اعلامی علیه عبدالله مومنی، ۶ ماه تا یک‌سال حبس در نظر گرفته شده، منتهی تاکید قانون بر این است که در صورت صدور حکم حداکثر حبس برای فرد، دلیل آن باید ذکر شود، شبعه بدوی اما این کار را نکرده بود و به دنبال اعاده دادرسی صورت گرفته، دیوان عالی کشور اقدام به نقض حکم و ارجاع پرونده به شعبه هم‌عرض کرد.» او ادامه داد: «این شعبه هم متأسفانه حاضر به تمکین از نظر دیوان عالی کشور نشد. به دنبال این موضوع اعاده دادرسی دیگری صورت گرفت و این‌بار پرونده به شعبه ثالث ارجاع شد. این شعبه با پذیرش نظر دیوان، باتوجه به مدت زمان حبس عبدالله مومنی، حکم آزادی او را صادر کرد و پرونده مختومه شد. به دنبال این حکم برادرم امروز از زندان آزاد شد.»